

ادراک جوانان از مفهوم بزرگسالی: آیا بین دو جنس تفاوت وجود دارد؟

Young People's Perceptions of Adulthood:

Is there a Gender Difference?

Zohreh Soleimani
MA in Educational Psychology
University of Tehran

Elaheh Hejazi, PhD
University of Tehran

الهه حجازی
دانشیار دانشگاه تهران

زهرة سلیمانی
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه تهران

چکیده

به دلیل تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری مفهوم بزرگسالی، هدف این پژوهش تعیین تأثیر جنس بر ادراک جوانان ایرانی از نشانه‌های بزرگسالی است. بر همین اساس طی یک پژوهش کیفی و طرح پدیدارشناسی در سال ۱۳۹۵، از طریق روش نمونه‌برداری هدفمند و ملاکی، ۱۹ نفر (۹ پسر و ۱۰ دختر) از سن ۱۸ تا ۲۵ سال، از میان دانشجویان شهر تهران انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه شد. تحلیل داده‌ها به روش کلاسیکی نشان داد مفهوم بزرگسالی شامل شش بعد است: تسلط شناختی-هیجانی بر خود، مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به هدف، توانایی نقش‌آفرینی در خانواده، پایبندی به ارزش‌های شخصی، دینی و اجتماعی، استقلال و انتقال نقش. بر اساس نتایج، نشانه‌های بزرگسالی از حالت هنجاری-سنتی (رسیدن به ۱۸ سالگی یا ازدواج) به مهارت‌های فردی و توانایی‌های خانوادگی تغییر کرده است. در دو بعد توانایی نقش‌آفرینی در خانواده و استقلال، زیرمقوله‌های اشتغال، حمایت مالی و روانی-فکری از خانواده برای مردان و توانایی مراقبت و تربیت فرزند و حمایت روانی-عاطفی از خانواده برای زنان ملاک مهم‌تری دانسته شد. همچنین در سایر ابعاد، زیرمقوله‌های رفتار سنجیده برای مردان و تاب‌آوری و تسلط بر هیجان برای زنان با تأکید بیشتر بیان شد.

واژه‌های کلیدی: ظهور بزرگسالی، نشانه‌های بزرگسالی، تفاوت‌های جنس، پدیدارشناسی

Abstract

Due to the cultural impact on the formation of adulthood concept, the purpose of this study is determining gender differences in the concept of adult and finding markers that are necessary to perceive adult in Iranian society. So, through a phenomenological qualitative study and conducting interviews among a sample of 19 persons (9 males, 10 females) at age intervals of 18-25 that were selected among students in Tehran, using the purposeful and criterion sampling, the markers of adulthood were extracted. Colaizzi analysis yielded six dimensions: Cognitive-emotional self-mastering, regulatory management to achieve the goals, ability to play a role in the family, commitment to personal, religious, and social values, independence and role transitions. Findings indicated traditional markers of adulthood (i.e. reaching the age of 18 or married) have transformed to individual skills and family capacities. In two dimensions, the ability to play a role in the family and independence, subcategories including employment, financial and mental support of family for men, and capacity of child caring, and psychosocial support of the family for women are criteria that are more important. In addition, in other dimensions, the subcategories of well-meaning behavior for men, and the resilience and emotional mastery for women were emphasized more.

Keywords: emerging adulthood, adulthood's indicators, gender differences, phenomenology

received: 31 May 2018

accepted: 5 September 2018

Contact information: ehejazi@ut.ac.ir

دریافت: ۹۷/۳/۱۰

پذیرش: ۹۷/۶/۱۴

این مقاله برگرفته از بخشی از داده‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی است.

مقدمه

در گذشته تابعی از سن تعریف شده بود، جای خود را به رفتار وابسته به سن می‌دهد که تابعی از وراثت، محیط حال و محیط گذشته است (سامروف، ۲۰۱۰) و به اعتقاد لورنکو^{۱۰} و ماکادو^{۱۱} (۱۹۹۶) نقل از اسعدی، امیری و مولوی، (۱۳۹۵) سن در بهترین حالت شاخص است نه ملاک مرحله تحولی. اریکسون (۱۹۶۸)، در نظریه تحول روانی-اجتماعی خود، تحول انسان را در دوره نوجوانی (۱۲ تا ۱۹ سالگی) با مشخصه اصلی حل بحران هویت در برابر سردرگمی نقش و در دوره بزرگسالی (۱۹ تا ۴۰ سالگی) با مشخصه اصلی صمیمیت در برابر انزوا شرح می‌دهد (اریکسون، ۱۹۶۸). نکته قابل توجه در نظریه اریکسون توجه ویژه او به توضیح دوره نوجوانی در کشورهای صنعتی است. او نوجوانی امتداد یافته^{۱۲} را مشخصه جوامع صنعتی و نوعی تعلیق^{۱۳} روانی-اجتماعی می‌داند که طی آن فرد بزرگسال به دنبال کسب تجربه در نقش‌های مختلف است تا بتواند نقش مطلوب خود را بیابد. بنابراین به نظر می‌رسد اریکسون بدون نام بردن مستقیم از بزرگسال، دوره‌ای که مسئولیت‌ها و تعهدات بزرگسالی به تأخیر افتاده است، درحالی که اکتشاف نقش که از دوره نوجوانی آغاز شده ادامه دارد و حتی شدت می‌یابد (آرنت، ۲۰۰۰).

اکنون در آغاز قرن ۲۱، همگام با پدیده جهانی شدن^{۱۴} و پیشرفت صنعت، به نظر می‌رسد آنچه اریکسون درباره طولانی شدن نوجوانی در جوامع صنعتی بیان کرده، به سایر جوامع نیز تسری یافته و امروزه وضعیت تعلیق ویژگی هنجار محدود سنی اواخر نوجوانی تا آغاز بزرگسالی است (ریفمن، کولول و آرنت، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر افراد بلافاصله بعد از نوجوانی وارد نقش‌های تعریف شده برای بزرگسالی نمی‌شوند و دیگر نمی‌توان نوجوانی را محدوده سنی انتقال به بزرگسالی دانست. علاوه بر این نگاه جامعه‌شناختی، که بزرگسالی را بر اساس مراحل جهان‌شمول با نقش‌هایی چون تحصیل، اشتغال، ازدواج و فرزندآوری و با ترتیبی نسبتاً ثابت و پذیرفته شده تعریف می‌کند یا نگاه انسان‌شناختی، که بزرگسالی را با تک‌معیار ازدواج مشخص می‌کند، دیگر جوابگو

از دیدگاه روان‌شناسی تحولی بزرگسالی مرحله‌ای از رشد انسان است که با پایان دوره نوجوانی در حدود ۱۸ سالگی- آغاز می‌شود (برک^۱، ۱۳۹۴/۲۰۰۷). این تعریف که در قرن بیستم مورد تأیید جامعه روان‌شناسی بوده، به دلیل تغییرات اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر با تردیدهایی روبه‌رو شده و می‌توان گفت انتقال به بزرگسالی^۲ به‌طور فزاینده طولانی شده و نمی‌توان آن را پایان دوره نوجوانی در نظر گرفت (شوارتز، کوته و آرنت، ۲۰۰۵). بررسی بزرگسالی و انتقال به آن، در آثار پژوهشی انسان‌شناسی^۳ و جامعه‌شناسی^۴ سابقه بسیار طولانی دارد. انسان‌شناسان ورود به بزرگسالی را با ازدواج و آغاز زندگی جدید همراه با پذیرش مسئولیت‌های متقابل تعریف می‌کنند (شلگل و بری، ۱۹۹۱) و جامعه‌شناسان معتقدند نقش‌های اجتماعی که شخص برعهده می‌گیرد، مثل اشتغال، تحصیل، ازدواج و والد شدن نشان‌دهنده انتقال به بزرگسالی است (هوگان و آستون، ۱۹۸۶).

در نیمه قرن بیستم مفهوم بزرگسالی به عنوان یک دوره تحولی، با بررسی‌های اریکسون (۱۹۶۸) گسترش یافت (آرنت، ۱۹۹۸). به‌طور سنتی، هدف اصلی روان‌شناسان تحولی کشف قوانین فراگیر تحول بشری، برای توصیف چگونگی رشد انسان‌ها در طول زمان و در بافت‌های گوناگون، بوده است (اسکار، ۱۹۹۲). به این الگوهای عمومی تحول، قوانین هنجاری^۵ می‌گویند. در مقابل در نظریه‌های اخیر چنین مطرح می‌شود که بهتر است تحول انسان به عنوان اثر متقابل بین عوامل بیولوژیک، اجتماعی-تاریخی^۶، اجتماعی و همچنین رفتارهای تحولی فردی در نظر گرفته شود (بالتز^۷، ۱۹۹۷، لرنر^۸، ۱۹۹۶ نقل از گروب، کرینگز و بانگرتز، ۲۰۰۱). به این روی‌آورد الگوی تحول اختصاصی^۹ می‌گویند. در این میان، برخی روان‌شناسان تحولی، روی‌آورد فراگیر تحول و روی‌آورد اختصاصی آن را در یک الگو تلفیق کرده‌اند (اسکار، ۱۹۹۲). در روی‌آورد تلفیقی، تحول زمانی رخ می‌دهد که حالتی نسبتاً کلی و نامتمایز به حالتی متمایز یافته، مشخص و یکپارچه تبدیل شود. بر همین اساس پارادایم رفتار، که

1. Berk, L.
2. transition to adulthood
3. anthropology
4. sociology
5. nomothetic laws

6. sociohistorical
7. Baltes, P. B.
8. Lerner, R. M.
9. idiographic
10. Lourenco, O.

11. Machado, A.
12. prolonged adolescence
13. moratorium
14. globalization

اصلی تدوین کرد که عبارت است از: استقلال^۴ (۶ ماده)، روابط بین فردی^۵ (۴ ماده)، انتقال نقش^۶ (۶ ماده)، التزام به هنجارها^۷ (۸ ماده)، تغییرات جسمانی^۸ (۴ ماده)، تغییرات وابسته به زمان^۹ (۳ ماده) و توانایی‌های خانوادگی^{۱۰} (۴ ماده برای مرد-۴ ماده برای زن) (آرنت، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش‌های او نشان داد که نشانگرهای بزرگسالی از دیدگاه جوانان تغییرات اساسی کرده و برخلاف ملاک‌هایی که در سال‌های گذشته شامل ازدواج و فرزندآوری و گرفتن نقش‌هایی از این دست بوده، سه ملاک قبول مسئولیت برای خود^{۱۱}، تصمیم‌گیری مستقل^{۱۲} و استقلال اقتصادی^{۱۳} بالاترین اولویت را برای ورود به بزرگسالی کسب کرده است (آرنت، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴). از طرف دیگر آرنت (۲۰۰۷)، براساس نظریه تحولی-فرهنگی خود، معتقد است شکل‌گیری نشانگرهای اکتساب بزرگسالی به فرایند جامعه‌پذیری افراد وابسته و به عبارت دیگر تحت تأثیر فرهنگ است. علاوه بر این در میان افراد هر جامعه نیز تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود، زیرا تفاوت‌های روانی-اجتماعی بی‌شک میان افرادی وجود دارد که متعلق به وضعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و نژادی متفاوت هستند. پس از نظریه ظهور بزرگسالی توسط آرنت، پژوهش‌های بسیاری در کشورهای مختلف برای بررسی بیشتر این دوره، با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی، انجام شده است. برای مثال پژوهش نلسون، بدر و وو (۲۰۰۴) به بررسی نقش فرهنگ بر دوره ظهور بزرگسالی در میان دانشجویان چینی اختصاص دارد. طبق این پژوهش، نشانگرهای بزرگسالی در دانشجویان چینی، قبول مسئولیت برای خود، کنترل مناسب و دائمی هیجانات^{۱۴} و استقلال اقتصادی است. نلسون و دیگران (۲۰۰۴) وجود شباهت بین ادراک بزرگسالی دانشجویان چینی و امریکایی را ناشی از تحولات اقتصادی و ارتباطات گسترده چین در سال‌های اخیر با جوامع غربی می‌دانند و تفاوت موجود یعنی مؤلفه مهار هیجان را به فرهنگ جمع‌گرایی در چین نسبت می‌دهند، زیرا این مؤلفه به سازش‌یافتگی و شکل‌گیری جمع دوستانه کمک می‌کند. هم‌چنین پژوهش

نیست. از این رو بزرگسالی بیشتر از آن که مفهوم زیست‌شناختی باشد و با بازه سنی معرفی شود، یا مفهوم انسان‌شناختی یا جامعه‌شناختی باشد و بر اساس رخدادها معرفی شود، نوعی مفهوم روان‌شناختی و وابسته به ادراک افراد است و البته تحت تأثیر فرهنگ هر جامعه معانی مختلف به خود می‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد نظریات مطرح‌شده در مورد بزرگسالی نیاز به بازنگری دارد، زیرا ممکن است الگوهای مطرح‌شده برای جوانان امروزی به اندازه نسل گذشته کاربرد نداشته باشد (برک، ۲۰۰۷/۱۳۹۴).

آرنت (۱۹۹۵) برای تبیین پیامدهای حاصل از تغییرات جامعه صنعتی و مدرن غرب ضمن طرح نظریه فرهنگی جامعه‌پذیری گسترده و محدود^۱، تعریف جدیدی از بزرگسالی مطرح می‌کند. او در نظریه تحولی خود ظهور بزرگسالی^۲ را در چهارچوب روان‌شناسی فرهنگی قرار می‌دهد و می‌کوشد ضمن توصیف مرحله تحولی بین اواخر نوجوانی و اوایل دهه ۲۰ سالگی (الگوی هنجاری)، به گوناگونی‌هایی توجه کند که در مسیر رسیدن به بزرگسالی وجود دارد (الگوی اختصاصی) (آرنت، ۱۹۹۷). فرهنگ‌هایی که با جامعه‌پذیری گسترده توصیف می‌شود از فردگرایی حمایت می‌کند و افراد جامعه را در پذیرش هنجارها و قوانین جامعه و خانواده آزادتر می‌گذارد. در نتیجه نشانگرهای بزرگسالی در این فرهنگ‌ها بیشتر جنبه فاعلی^۳ و فردی دارد، که توسط افراد معنا می‌شود. در مقابل فرهنگ‌هایی که با جامعه‌پذیری محدود توصیف می‌شود به جمع‌گرایی گرایش دارد، فرمان‌برداری و مشارکت را در مهم‌ترین جایگاه ارزشی قرار می‌دهد و انحراف از انتظارات فرهنگی را تقبیح می‌کند (آرنت، ۱۹۹۵). آرنت (۱۹۹۸) با استناد به این که امروزه احساس بزرگ شدن، با وجود نشانگرهایی حاصل می‌شود که بیشتر جنبه فردی و نامشخص دارد و مثل گذشته به نقش‌های اجتماعی وابسته نیست، با انجام مصاحبه روی نمونه‌ای شامل ۳۰۰ جوان امریکایی، بزرگسالی را از نگاه جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال بررسی کرد و سپس، بر اساس یافته‌های این پژوهش، پرسشنامه نشانگرهای اکتساب بزرگسالی (آرنت، ۱۹۹۶) را در فرهنگ امریکا در هفت بعد

1. theory of broad and narrow socialization
2. emerging adulthood
3. subjectively
4. independence
5. interdependence
6. role transitions

7. norm compliance
8. biological transitions
9. chronological transitions
10. family capacities
11. accepting responsibility for one's self

12. independent decision-making
13. financial independence
14. learn always to have good control of your emotions

بزرگسالی، مفید و ضروری است. بنابراین هدف این پژوهش شناخت برداشت جوانان ایرانی از مفهوم بزرگسالی و تعیین تفاوت‌های مبتنی بر جنس در نشانه‌های اکتساب بزرگسالی است.

روش

این پژوهش با روش تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام شد. هرگاه پژوهشگر بخواهد ساختار و معنای ضمنی پدیده‌ای (از جمله احساسات، اندیشه یا شیء) را، با توجه به معنایی آشکار کند که افراد از آن در زندگی خود دارند، از روش تحقیق پدیدارشناسی استفاده می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۳). شرکت‌کنندگان در این پژوهش از دانشجویان شهر تهران در بازه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال (بازه ظهور بزرگسالی) در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به روش نمونه‌برداری هدفمند^۱ و ملاکی^۲ انتخاب شدند. تعداد نمونه در این پژوهش، ۱۹ نفر (۱۰ دختر، ۹ پسر) بود (این تعداد، علاوه بر ۱۲ نفری است که در مرحله تدوین سؤالات، مورد مصاحبه قرار گرفتند). برای ایجاد تنوع در نمونه، در انتخاب افراد نمونه به وضعیت اشتغال، تأهل، سطح تحصیلات و جنس دقت شده است (جدول ۱).

جدول ۱

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

جنس	میانگین سنی	شاغل غیرشاغل	مجرد متأهل	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد
دختر	۲۱/۸	۳	۷	۶	۴
پسر	۲۳/۲۲	۷	۲	۷	۵

به منظور تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۳ استفاده شد. روش کلایزی، روشی توصیفی در تحلیل محتوا به این شرح است: خواندن دقیق و مکرر متن، استخراج جملات مهم، صورت‌بندی^۴ معانی، موضوع‌ها^۵ (مقولات اصلی)، تلفیق نتایج، ساختار ذاتی پدیده، اعتباربخشی یافته‌ها (کلایزی، ۱۹۹۷، نقل از عابدی، ۱۳۸۹). به این ترتیب، پس از مطالعه مکرر متن‌های مصاحبه، جملات مرتبط با موضوع بزرگسالی کدگذاری و سپس مقوله‌بندی شد.

دیگری را اوبیدو و دیگران (۲۰۱۸) روی دانشجویان دو کشور غرب آفریقا، نیجریه و غنا انجام دادند. یافته‌ها نشان داد دانشجویان هر دو کشور، اکتساب توانایی‌های خانوادگی (برای مثال اداره منزل، تربیت و مراقبت از فرزند) را مهم‌ترین نشانه بزرگسالی می‌دانند. نشانه‌های مرتبه بعد برای دانشجویان کشور غنا، کسب استقلال، التزام به رعایت هنجارهای اجتماعی و توانایی‌های میان‌فردی و برای دانشجویان نیجریه التزام به رعایت هنجارها، کسب استقلال و توانایی‌های میان‌فردی است. تفاوت بعد میان این دو فرهنگ، نگاه مبتنی بر جنس به ملاک‌ها در میان دانشجویان غنایی است، به طوری که حمایت مالی از خانواده برای مردان و اداره امور منزل (خانه‌داری) برای زنان ملاک مهم‌تری در نظر گرفته می‌شود. این پژوهش‌ها و سایر پژوهش‌ها (برای مثال نلسون و چن، ۲۰۰۷؛ هندری و کلپ، ۲۰۱۰) نشان می‌دهد که ادراک نشانه‌های بزرگسالی با وجود ویژگی‌های مشترک، تحت تأثیر باورهای فرهنگی هر جامعه (برای مثال اهمیت و جایگاه خانواده، نقش‌های مبتنی بر جنس و...) است.

۲۹/۰۲ درصد از جمعیت ایران جوانان هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶)، که اکثر آن‌ها در مراکز آموزش عالی تحصیل می‌کنند و بلافاصله بعد از اتمام دبیرستان وارد نقش‌های هنجاری بزرگسالی یعنی اشتغال و ازدواج نمی‌شوند، بنابراین می‌توان گفت دوره نوجوانی به بزرگسالی طولانی‌تر شده است. از سوی دیگر بررسی ادراک نشانه‌های بزرگسالی از منظر افراد، نیازمند تحلیل‌های کیفی با در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی و فرهنگی است. همان‌طور که اشاره شد به‌رغم وجود الگوهای تحولی جهانی، ممکن است مبانی فرهنگی و بومی جنبه‌های متفاوتی از یک مفهوم را آشکار کنند. برای مثال، در پژوهش تحلیل کیفی بهزیستی فاعلی از دیدگاه دختران نوجوان (تقوی، آزادفلاح، موتابی و طلالی، ۱۳۹۴) و بررسی محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوان ایرانی (دلخمش و احمدی مبارکه، ۱۳۹۰)، تفاوت‌هایی با الگوی جهانی گزارش شده است. از این‌رو اجرای پژوهش‌هایی برای شناخت مفهوم بزرگسالی از دید افراد این دوره سنی، برای تبیین وضع موجود جامعه ایرانی و شناخت ارزش‌ها و باورهای افراد در مورد ملاک‌های رسیدن به

رسیدن به هدف؛ توانایی نقش‌آفرینی در خانواده؛ پابندی به ارزش‌های شخصی، دینی و اجتماعی؛ استقلال و انتقال نقش. نتایج زیرمقولات و مقولات در جدول ۲ آمده است. برخی از این مقوله‌ها به شکل عمومی و مشترک موجود بوده و برخی دیگر مرتبط با نقش‌های جنس تعریف شده و در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳

مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها برای تبیین مفهوم بزرگسالی

تکرار	زیرمقولات	مقولات
۱۰	شناخت خود	
۱۸	بینش و شناخت جایگاه خود در هستی	تسلط شناختی-هیجانی
۱۹	قدرت شناخت و تعامل با دیگری	
۱۴	قدرت تحلیل و انتخاب مبتنی بر شناخت خود	بر خود
۱۹	تسلط بر هیجان	
۱۹	رفتار سنجیده	
۱۹	برنامه‌ریزی و مدیریت زمان	
۱۵	هدفمندی	مدیریت و تنظیم امور
۱۰	خودکارآمدی	تأسیس به اهداف
۱۳	تاب‌آوری و انطباق با شرایط	
۸	انعطاف‌پذیری	
۹	توانایی اداره خانواده (مرد/زن)	
۱۶	توانایی حمایت مالی (مرد)	
۱۰	قابلیت اتکا (مرد/زن)	توانایی نقش‌آفرینی در خانواده
۸	توانایی همسرمداری مناسب (مرد/زن)	
۱۰	توانایی تربیت و مراقبت از فرزند (مرد/زن)	
۹	اخلاق اجتماعی و دگرخواهی	پابندی به ارزش‌های شخصی، دینی و اجتماعی
۸	پابندی به باورهای اعتقادی و دینی	
۱۶	مسئولیت‌پذیری و تعهد	
۱۲	اشتغال و استقلال مالی	
۹	استقلال روانی-فکری	استقلال
۴	انگیزش درونی	
۵	سن	
۳	تکامل جسمی	
۳	ازدواج-توانایی ازدواج	انتقال نقش
۳	تحصیلات عالی	

ابزار استفاده‌شده در این بررسی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. مدت زمان هر مصاحبه، حدوداً ۴۰ دقیقه تا یک ساعت بود و به صورت فردی و توسط یکی از پژوهشگران با هماهنگی قبلی در مکان و زمان مشخص انجام و سپس مصاحبه‌های ضبط‌شده به طور کامل تایپ و در مرحله بعد برای کدگذاری آماده شد. طراحی سؤال‌های مصاحبه، مبتنی بر بررسی پژوهش‌های پیشین در زمینه مفهوم و نشانگرهای بزرگسالی صورت گرفته است. پس از طراحی اولیه سؤال‌ها مصاحبه‌های اکتشافی انجام و از این طریق آشنایی اجمالی با زوایای مختلف موضوع مورد بررسی حاصل و امکان تصحیح سؤال‌های مبتنی بر ویژگی‌ها و فهم بهتر مخاطبان فراهم شد. در مجموع با بررسی ۱۲ مصاحبه طی ۴ مرحله (هر مرحله ۳ تا ۴ مصاحبه) سؤال‌ها بازنگری و تدوین شد.

درنهایت اعتبارسنجی داده‌ها با روش کثرت‌گرایی^۱ در پژوهشگر یا آزمون اعتبار بین‌کدگذاران^۲ (ICR) محاسبه شد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۳/۱۹۹۶). درصد توافق بین کدگذاران، به عنوان شاخص اعتبارسنجی تحلیل، محاسبه و در جدول ۲ گزارش شد.

جدول ۲

محاسبه اعتبار بازآزمون

دفعات	تعداد کل کدها	تعداد توافقی‌ها	تعداد عدم توافقی‌ها	اعتبار بازآزمون
بار اول	۱۰۲	۵۰	۴	۰/۹۸
بار دوم	۹۱	۳۹	۶	۰/۸۵
بار سوم	۱۷۸	۸۷	۳	۰/۹۷
بار چهارم	۱۰۵	۴۴	۵	۰/۸۳
کل	۴۷۶	۲۲۰	۱۸	۰/۹۲

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش ابتدا به صورت کد، سپس به صورت زیرمقوله و درنهایت به صورت مقوله مشخص شد. مقولات اصلی به ترتیب تکرار بیشتر، عبارت است از: تسلط شناختی-هیجانی بر خود؛ مدیریت و تنظیم امور تا

زیرمقوله‌ها	زن	مرد
توانایی مراقبت و تربیت فرزند	۱۰	۲
شغل و استقلال مالی (حمایت مالی)	۱	۱۶
توانایی همسرمداری برای مرد: حل مشکلات و چالش‌های خانواده	-	۱۰
توانایی همسرمداری برای زن: ایجاد آرامش در خانواده	۱۰	-
تسلط بر هیجان: باوقاری	۱۹	۱۳
تاب‌آوری	۱۳	۷
رفتار سنجیده	۱۳	۱۹

هم‌چنین فرد بزرگسال برای رسیدن به نیازها و خواسته‌هایش واقع‌بینانه‌تر عمل می‌کند و عمل‌گراتر است.

شماره ۲: بزرگسال، با توجه به ویژگی‌هایی که دارد، نظری می‌دهد که خیلی بلندمدت‌تر، جامع‌تر، خیلی عملگرایانه‌تر و خیلی واقع‌گرایانه‌تر است. تقریباً با واقعیت زندگی می‌کند.

شماره ۳: کسی بزرگسال است که وحدت فکری داشته باشد. به یک‌سری چیزها عقیده داشته باشد و پیرو آن‌ها عملش را بچیند. درواقع بازخورد داشته باشد. بازخوردش توأم با عمل بشود... در مورد هنجارهای اجتماعی هم یک‌سری حداقل‌ها را باید عمل کند.

قدرت شناخت و تعامل با دیگری: این زیرمقوله ساحت اجتماعی بزرگسالی را نشان می‌دهد. توانایی شناخت احساسات و هیجانات دیگران و بعد از آن درک و فهم شرایط دیگران و هم‌چنین توانایی برقراری روابط اجتماعی منطقی، یعنی ایجاد مرز تعادل بین صمیمیت و استقلال با دیگری، در عین حفظ احترام از ملزومات بزرگسالی است.

شماره ۶: فرد بزرگسال همه را به خوبی می‌شناسد. باید بتواند کارهای سخت و آسان را در اجتماع انجام بدهد. ارتباط متقابل با همه دارد. محیط را به سمت هدفی که دارد پیش ببرد. مدیریت می‌کند تا همه را برای خودش نگه دارد.

قدرت تحلیل و انتخاب مبتنی بر شناخت خود: فرد بزرگسال باید در رویارویی با مسائل روزمره و کلان پیش‌رو، براساس قدرت تحلیل و چهارچوبی که اکتساب کرده، توان انتخاب داشته باشد.

شماره ۱: یک بزرگسال قدرت تحلیل و تشخیص خوب از بد و درست از غلط را دارد و در تصمیم‌گیری‌هایش عجله نمی‌کند.

تسلط بر هیجان: مدیریت هیجان در درجه اول شامل شناخت احساسات و هیجانات خود و در مرحله دوم توانایی مدیریت هیجانات هم در سطح درونی هم در سطح بیرونی، یعنی بروز آن، است. فرد بزرگسال کسی است که به واسطه آشنایی با احساسات خود در شرایط مختلف می‌تواند در برخورد با مسائل و شرایط بحرانی بر خود مسلط باشد و احساسات و هیجاناتش تحت کنترل قوای شناختی‌اش قرار دارد. این ویژگی برای زنان با تأکید بیشتر بیان شد.

ابعاد بزرگسالی (مقوله‌ها)

بعد اول: تسلط شناختی-هیجانی بر خود

این بعد به معنی اکتساب نفس (خود) قدرتمند از نظر شناختی و هیجانی در مواجهه با محیط است. لازمه کسب این ملاک، شناخت فرد از توانایی‌ها، احساسات، هیجانات و رفتار هم در سطح فردی یعنی در رابطه با خود و هم در سطح اجتماعی یعنی در رابطه خود با دیگران، لزوم مدیریت هیجانات در برخورد با دیگران و در مواجهه با مسائل و مشکلات و هم‌چنین شناخت خود در ارتباط با جهان هستی است. در این بعد، جز در زیرمقوله تسلط بر هیجان تفاوت جنس بین داده‌ها مشاهده نشد.

شناخت خود: خودشناسی به معنای شناخت توانایی‌ها، ضعف‌ها و علائق خود و هم‌چنین حالات و رفتارهای خود در موقعیت‌های متفاوت است. به دلیل این که فرد بزرگسال به طور کامل خود را می‌شناسد، در رفتارهایش به ثبات رسیده است. شماره ۴: بزرگسال در مورد خودش، فکرش، حالاتش و هیجانش این شناخت را دارد. بعد می‌تواند موقعیت‌شناسی کند. آدم بزرگسال می‌داند چه می‌خواهد و براساس جو حرکت نمی‌کند.

بینش و شناخت جایگاه خود در هستی: از دیدگاه افراد، بزرگسال کسی است که نسبت به زندگی و جهان افق بلندتری دارد، جایگاه خود را در هستی می‌شناسد و به عبارت دیگر در فرایند معنایابی برای زندگی خود به تثبیت رسیده و در انجام کارهایش بر مبنای جهان‌بینی اکتسابی خود عمل می‌کند.

شماره ۵: چشم‌اندازی برای زندگی‌اش داشته باشد. هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای خودش تعریف کرده باشد. **برنامه‌ریزی و مدیریت زمان:** به معنای برقراری نظم در برنامه زندگی، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی کارهاست. فرد بزرگسال برخلاف نوجوان، نیاز به برنامه‌ریزی والدین یا نهادها (مدرسه) ندارد و می‌تواند به‌خوبی زمان و امکانات را، در راستای رسیدن به اهدافش، مدیریت کند.

شماره ۶: سعی می‌کند نظم داشته باشد. هرچه بااداب نباشد. کارهایش روی برنامه‌ریزی است. همه چیز زندگی‌اش سر جای خودش است. مدیریت کارهایش در دستش است. **خودکارآمدی:** به معنای باور به توانایی‌ها و احساس کفایت لازم برای انجام امور است. این ویژگی با نوعی جرئت‌ورزی در حرکت به سمت خواسته‌ها و علائق و نه گفتن به موانع و افرادی همراه است که او را از رسیدن به اهدافش باز می‌دارند.

شماره ۹: فرد به خودباوری رسیده. کسی که بزرگسال است، خودش را قبول کرده و می‌تواند تصمیم بگیرد. می‌تواند برود جایی حرف بزند.

شماره ۵: بزرگسال کسی است که قدرت نه گفتن داشته باشد. مثلاً من با انتقاد کردن از یک سیستمی، از یک رفتاری نشان می‌دهم که به مولفه‌های بزرگسالی رسیده‌ام، آن ترس‌های اجتماعی از بین رفته است.

تاب‌آوری و انطباق با شرایط: فرد بزرگسال خود را با شرایط مختلف سازگار می‌کند و در مواجهه با شرایط ناخوشایند شرح صدر دارد و با استقامت جلو می‌رود. توانایی تحمل و صبر در برابر مشکلات ملاک مهم‌تری برای زنان مطرح شده است.

شماره ۱۰: فرد به مختصات شرایط توجه می‌کند و متناسب با آن عمل می‌کند. مثلاً جمع شوخی و جدی را تشخیص می‌دهد. شماره ۱۱: بزرگسال مثل کوه است. هرچا گیر کند می‌داند چه کند و تا جایی که از دستش بریباید کمکت می‌کند. صبور است. مخصوصاً یک دختر در برخوردش با سختی‌ها زود نمی‌شکند، مسائل کوچک را خیلی بزرگ نمی‌کند.

انعطاف‌پذیری: پذیرش سخن سنجیده دیگری و تکراری نبودن لازمه عمل سازگاران است و منجر به پیشبرد هدف و حصول نتیجه در اجتماع می‌شود. گویی افراد خود را وقتی بزرگسال تلقی می‌کنند که بتوانند در مسیر عمل خود از تجربیات

شماره ۵: می‌تواند کنترل بکند احساساتش را. هیجان دارد، ولی کنترل می‌کند. یک‌جورهایی عقلانی شدن است، دیگر همه‌اش عقل است که برای او حد می‌گذارد و فرض‌هایی برای خودش می‌چیند، می‌بیند اتفاقاتی ممکن است در آینده بیفتد و این باعث می‌شود هیجانی عمل نکند، مخصوصاً برای دختر کنترل هیجان بسیار مهم است.

بعد دوم: مدیریت و تنظیم امور تا رسیدن به اهداف

در این مقوله، براساس نفس قدرتمندی که در مقوله پیش به آن اشاره کردیم، فرد مدیریت و تنظیم کنش‌های فردی و اجتماعی خویش را به عهده می‌گیرد. به این معنی که انجام امور را بر مبنای شناخت صحیحی قرار می‌دهد که از خود و اتفاقات پیرامونش دارد. این مقوله به بعدی از فرد بزرگسال اشاره می‌کند که فرد با توجه به آن با تکیه بر توانایی‌های خود هدف‌گذاری برای رسیدن به هدف‌ها برنامه‌ریزی می‌کند و، ضمن استفاده از تجارب و نظرات دیگران، با اعتمادبه‌خود به سمت هدف‌هایش می‌رود و در برابر موانع و مشکلات تاب‌آور است. طبق داده‌ها، زیرمقوله رفتار سنجیده برای مردان و تاب‌آوری برای زنان نشانگرهای مؤثرتری در نظر گرفته می‌شود.

رفتار سنجیده: منظور از رفتار سنجیده رفتاری است که پشتوانه‌ای قوی از تفکر و تعقل دارد. فرد بزرگسال همه جوانب کار را می‌سنجد، عاقبت‌نگر است و به عبارتی غیرتکانشی عمل می‌کند. اکتساب این ویژگی برای مردان ملاک مهم‌تری در نظر گرفته شده است.

شماره ۴: یعنی بتواند بین منطقی عقل و احساس چیز درست را انتخاب کند. مثلاً زمانی باید منطقی و عقلانی جلو برود و زمانی باید کاملاً احساسی پیش رود.

شماره ۷: یک مرد وقتی بتواند در همه ابعاد نظر بدهد، همه‌جانبه فکر و طبق آن عمل می‌کند.

هدفمندی: به معنای هدف‌گذاری و دنبال کردن مسیر مشخص در زندگی است. اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، که بر مبنای شناخت توانایی‌ها، حالات و رفتار خود و هم‌چنین جهان‌بینی و سبک زندگی مشخص شده، تعیین می‌شود و زندگی فرد را جهت می‌دهد.

شماره ۸: می‌داند کجای محور زندگی قرار گرفته و به چه چیزی می‌خواهد برسد و اهدافش چیست.

شماره ۳: خود ازدواج مهم نیست، قابلیت همسر بودن و پشتیبانی فاکتور خیلی مهمی است.

توانایی تربیت و مراقبت از فرزند (مرد/زن): توانایی مادری و پدری، به معنای مراقبت فیزیکی از فرزندان، تربیت و ارتباط خوب با فرزندان است. گرچه این توانایی برای هر دو جنس مطرح شده، برای مردان ملاک غیرمؤثرتری برای بزرگسالی است.

شماره ۲: توانمندی فکری مادری برای یک دختر، گرچه مادر هم نشده باشد.

شماره ۱۳: توانایی پدری کردن برای یک پسر، گرچه پدر نشده باشد.

توانایی همسررداری برای مرد/زن: به معنای شناخت وظایف در قبال همسر، توانایی انجام آن وظایف به بهترین نحو و همچنین سازگاری با همسر، توان تحمل مشکلات زندگی زناشویی و به طور خاص برای مرد حل چالش‌های پیش روی خانواده و برای زن ایجاد آرامش در خانواده است.

شماره ۱۰: آن جنبه آرامشگری زن است که باعث می‌شود نشان بدهد چقدر بزرگ شده. مهم نیست تو چقدر پول بیاوری مهم این است که من پول در بیاورم و تو به من آرامش بدهی. این آرامش را به همسرش و خانواده‌اش بدهد و همسر خوبی باشد.

شماره ۹: برای شوهر هم همین است که وظایفش را نسبت به خانم باید بشناسد. برای شوهر توانایی سازگار بودن با زنش و برداشتن موانع زندگی راحت یعنی اوج پختگی.

بعد چهارم: پایبندی به ارزش‌های شخصی، دینی و اجتماعی

این بعد به معنای پذیرش مسئولیت در قبال خود و دیگران و اعتقادات است و شامل توجه به دیگران و تمرکز بر خواسته‌ها و نیازهایشان و حتی ترجیح دیگری بر خود، در نظر گرفتن دیگران در هنگام تصمیمات شخصی، کمک به دیگران، همدردی، ایثار، شادی‌آفرینی و نشاطبخشی به دیگران و همچنین پایبندی به باورها و اعتقادات و مناسک دینی می‌شود. در این بعد تفاوت جنس بین داده‌ها مشاهده نشد.

اخلاق اجتماعی و دگرخواهی: اخلاق اجتماعی به معنی دغدغه دیگری را داشتن است و در مقابل خودمحوری و تمرکز

دیگران بهره‌مند شوند و با در نظر گرفتن نیازهای دیگران در کنار نیازهای خود حرکت کنند. در این مقوله بر مشورت گرفتن و گشودگی فکر تأکید می‌شود.

شماره ۱۱: بحث مشورت برایش مهم است. سعی می‌کند خیلی خودمحور نباشد. تصمیم مال خودش است، ولی از دیگران هم اثر می‌گیرد، چون به هر حال تصمیمات ما روی اطرافیان اثر می‌گذارد.

بعد سوم: توانایی نقش‌آفرینی در خانواده

این بعد شامل مواردی است که به ویژگی‌ها و مسئولیت‌های فرد بزرگسال در قبال خانواده مربوط می‌شود. ویژگی‌هایی از قبیل توانایی مدیریت و اداره امور خانواده، توانایی حمایت خانواده از لحاظ مالی و عاطفی و به عبارتی ظرفیت تکیه‌گاهی برای آن‌ها و توانایی مراقبت فیزیکی و تربیت فرزند. توانایی اداره خانواده، توانایی همسررداری و قابلیت تکیه‌گاهی به عنوان یک ملاک (فاقد جنس) و توانایی حمایت مالی از خانواده به عنوان یک ملاک جنس (فقط برای مردان) مطرح شده است. توانایی مراقبت و تربیت فرزند گرچه در دو جنس دیده شد، برای جنس مؤنث به صورت مؤثرتر مطرح شده است.

توانایی اداره خانواده (مرد/زن): این ویژگی به معنای مدیریت و تدبیر امور خانواده، انجام به موقع کارهای خانه و رفع نیازهای خانواده است. این زیرمقوله هم در مورد مردان و هم در مورد زنان با فراوانی بالایی در پاسخ‌ها تکرار شده است.

شماره ۶: بتواند یک خانواده را مدیریت کند. بتواند با بچه‌هایش ارتباط برقرار کند. بعضی‌ها هستند که به اینجایها نرسیده‌اند و ازدواج می‌کنند و باعث می‌شود سریع طلاق بگیرند.

شماره ۱۲: زمانی فرد بزرگ می‌شود که بتواند گرداننده یک زندگی باشد.

توانایی حمایت مالی از خانواده برای مرد: این زیرمقوله فقط برای مردان مطرح شده است.

قابلیت اتکا (مرد/زن): به معنای قابلیت اعتماد و تکیه‌گاه بودن برای خانواده اعم از همسر و والدین است، که برای هر دو جنس مرد و زن ملاک بزرگسالی دانسته شده است.

شماره ۱۰: باید برای والدینش تکیه‌گاه باشد.

بعد پنجم: استقلال

استقلال به معنای فردیت قائل شدن برای خود است. برای فرد بزرگسال انگیزه‌های بیرونی کم‌اهمیت است. او مستقلانه تصمیم می‌گیرد. به دیگری وابستگی ندارد و از لحاظ مالی نیز مستقل است. اشتغال و استقلال مالی به عنوان ملاک جنس فقط برای مردان مطرح شده است.

اشتغال و استقلال مالی: یعنی فرد شغلی داشته باشد که او را از لحاظ مالی از دیگران بی‌نیاز کند.

شماره ۱۰: بزرگسالی به سن خاصی وابسته نیست، هر وقت مرد دستش توی جیب خودش باشد.

استقلال روانی-فکری: یعنی فرد برای خود هویت مستقل و فردیت قائل شود، مستقلانه تصمیم بگیرد و باری به هر جهت نباشد. همچنین فرد بزرگسال تعلق عاطفی کمتری به اطرافیان دارد.

شماره ۵: استقلال دارد. مشورت کردن و تأثیرپذیری از دیگران را نفی نمی‌کنم، ولی قائل به فردیت است برای خودش. تصمیم‌هایی می‌گیرد برای خودش. تابع جمع نیست.

شماره ۸: به نظرم فرد مستقل می‌شود، یعنی وابستگی عمیق عاطفی به خانواده و دوستان کاهش پیدا می‌کند.

انگیزش درونی: این مقوله بر انجام امور مبتنی بر رضایت درونی تأکید دارد و فرد را به سمت حذف انگیزه‌های بیرونی عمل سوق می‌دهد که به فرایند استقلال‌یابی مربوط است.

شماره ۱۵: فرد بزرگسال برای رضایت خودش دست به کاری می‌زند و به پاداش یا پیامد کار اهمیت زیادی نمی‌دهد.

بعد ششم: انتقال نقش

این بعد از بزرگسالی، شامل سن، تکامل جسمی، تحصیلات عالی و ازدواج، کمترین فراوانی را در بین پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان داشت و تفاوت جنس در آن مشاهده نشد. این چهار مؤلفه به این دلیل که در یک مقوله قرار داده شده است به ابعدی می‌پردازد که تحت تأثیر باورهای فرهنگی جامعه مفهوم بزرگسالی را تعریف می‌کند.

سن: در مورد سن ورود به بزرگسالی نظرات مختلف وجود داشت. اکثر افراد سن را شرط بزرگسالی نمی‌دانستند. گروهی

بر خود قرار می‌گیرد. این ویژگی کمک و همدلی با دیگران را نشان می‌دهد که در مرتبه بالاتر به ترجیح دیگری بر خود ختم می‌شود. همچنین فرد به دلیل وجود این صفات اخلاقی، قابل اعتماد است و مورد مشورت قرار می‌گیرد.

شماره ۵: ویژگی‌هایی مثل غمخواری، مثل همدردی، هم‌ذات‌پنداری با دیگران و حسن خلق و المان‌هایی که در ارتباطات میان فردی تعریف می‌شود: مثل صداقت، تعهد، اخلاق خوب، خوش‌قولی و این‌ها.

شماره ۲: فرد بزرگسال می‌تواند در حد مشاور و خیرخواه نقش بیشتری داشته باشد، البته وقتی یک جوان به سنی می‌رسد خود پدر و مادر هم این انتظار را دارند، که نقش بیشتری در خانواده ایفا بکند، چه فکری چه اجتماعی.

پایبندی به باورهای اعتقادی و دینی: به معنای عمل کردن به باورها و ارزش‌های اعتقادی کسب‌شده است. در این زیرمقوله، تمرکز بر نقش ویژه اعتقادات و باورهای دینی در تمام صحنه‌های زندگی بالاخص هنگام مواجهه با مشکلات و تصمیم‌گیری‌هاست.

شماره ۱۴: باورهای اعتقادی قوی‌تر می‌شود و به دایره ثبات می‌رسد. از حالت اجمالی به حالت تفصیلی می‌رسد. نکته بسیار مهم‌تر برقراری ارتباط بین باورهای اعتقادی با عملکرد در هنگام تصمیم‌گیری‌هاست.

مسئولیت‌پذیری و تعهد: این زیرمقوله شامل قبول مسئولیت در برابر خود، خانواده و جامعه، پذیرش خطاها و اشتباهات و تعهد به امور است. جامعه نیز از فرد بزرگسال انتظار دارد مسئولیت‌پذیر و متعهد باشد.

شماره ۷: من حس می‌کنم کسی که بزرگ شده، حس مسئولیتش باید بیشتر بشود نسبت به پدر و مادرش و خواهر و برادرش، ولی خب بعضی‌ها را هم می‌بینم که بزرگ‌اند ولی این رفتارها را از آن‌ها نمی‌بینی، بعد ما می‌گوییم گرچه بزرگ است ولی هنوز بچه است.

شماره ۲: می‌داند مسئولیت خطا و اشتباه برعهده خودش است. وقتی کاری را به یک نوجوان می‌سپاریم می‌دانیم که ممکن است خطا بکند، ولی از یک فرد بزرگسال انتظارات بیشتر خواهد بود. یعنی مسئولیت تمام کارهایش برعهده خودش است و خیلی حرفه‌ای با او برخورد می‌شود.

که معتقد بودند سن نشانه بزرگسالی است، سن را با اتفاقاتی تعریف می‌کردند که همراه آن بود، مثل سن رأی دادن و سن ورود به دانشگاه. در مجموع اشتراک سنین گفته شده، سن بالای ۲۳ تا ۲۵ را نشان می‌دهد.

تکامل جسمی: به معنای اتمام تغییرات ناشی از رشد جسمانی است.

شماره ۸: از لحاظ جسمانی شتاب تغییرات بلوغ به سکون و ثبات رسیده است.

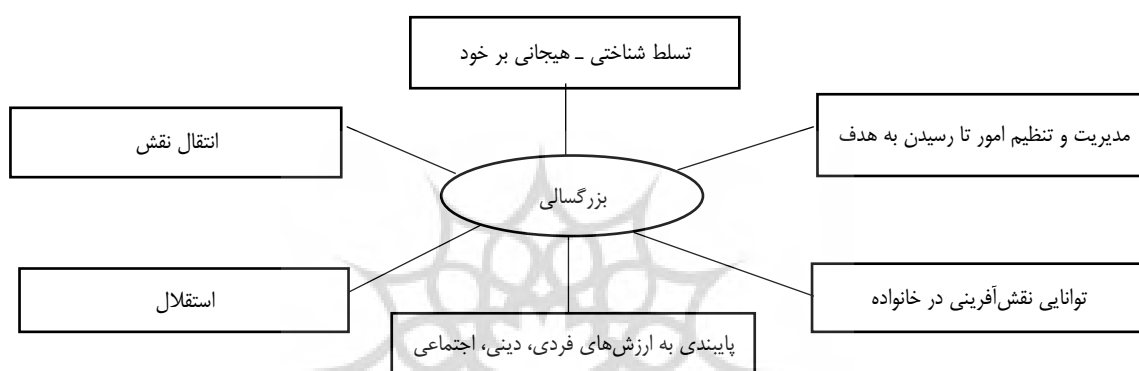
تحصیلات عالی: منظور از تحصیلات عالی تحصیلات بعد

از دبیرستان (حوزوی یا دانشگاهی) است. فراوانی این زیرمقوله نیز اندک بود.

ازدواج- توانایی ازدواج: تعداد اندکی به ازدواج اشاره کردند، اما به طور ضمنی آنچه به عنوان ملاک بزرگسالی مطرح می‌شد بیشتر توانایی‌های لازم برای ازدواج بود.

شماره ۹: ازدواج کمک می‌کند فرد به خودباوری برسد. کسی که در وادی ازدواج می‌افتد یعنی خودش را قبول کرده که می‌تواند تصمیم بگیرد و می‌تواند برود جایی حرف بزند.

شکل ۱ ابعاد بزرگسالی را به طور خلاصه نشان می‌دهد.



شکل ۱. ابعاد بزرگسالی

بحث

هدف این پژوهش شناخت نشانگرهایی است که برای آنکه فرد خود را بزرگسال ادراک کند، ضروری است. نتایج پژوهش نشان داد همسو با تحقیقات صورت گرفته در کشورهای دیگر، بزرگسالی مفهوم فردی و فاعلی است که خود افراد و نه هنجارهای سنتی جامعه (مثلاً ازدواج) یا بر اساس زمان‌بندی نهادها^۱ (مثلاً سن فارغ‌التحصیلی از دبیرستان) تعریف می‌شود (آرنت، ۱۹۹۸ و برای مثال‌های بیشتر رک. آرنت، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱؛ نلسون، ۲۰۰۳؛ نلسون و بری، ۲۰۰۵). به دلیل این‌که در دو مقوله توانایی نقش‌آفرینی در خانواده و استقلال، نگاه جنس پررنگ به نظر می‌رسد، بحث در مورد نتایج این دو بخش را در کنار تفسیر سایر داده‌های جنس این پژوهش در قسمت مستقل مطرح می‌کنیم.

نشانگرهای مشترک اکتساب بزرگسالی (فاقد جنس)

در مجموع می‌توان گفت اکتساب مهارت‌های فردی و

خانوادگی در ادراک بزرگسالی فرد نقش بسزایی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد بزرگسالی در درجه اول به معنای دستیابی به توانایی‌های شناختی و هیجانی مانند شناخت توانایی‌ها، حالات و رفتار خود در موقعیت‌های گوناگون، شکل‌گیری چهارچوب و بازخورد جامع به زندگی و قدرت تحلیل و انتخاب بر مبنای این شناخت، مسئولیت‌پذیری و تعهد در قبال تصمیمات و دیگران و توانایی‌های هیجانی مانند مدیریت و کنترل بروز هیجان در صحنه‌های مختلف زندگی است. بعد دوم نشان می‌دهد، بزرگسالی زمانی پدید می‌آید که فرد مدیریت خودتنظیم باشد و بر مبنای شناختی عمل کند که از توانایی‌ها، احساسات و هیجانات و جهان پیرامونش کسب کرده است. فرد بزرگسال بر زندگی خود تسلط دارد و رفتارها و قضاوت‌هایش نشان‌دهنده حکمرانی عقلانیت اوست (بالتز^۲ و استادینگر^۳، ۲۰۰۰ نقل از تانر و آرنت، ۲۰۰۹). خودتنظیمی در نظریه شناختی-اجتماعی بندورا به معنای تولید و هدایت اندیشه‌ها، هیجان‌ها و رفتارها توسط

آرژانتین، باجر، نلسون و بری (۲۰۰۶) در چین همسوست. در میان کشورهایی که به بزرگسالی ادراک شده در میان جوانان پرداخته‌اند، فقط هندوستان از این قاعده مستثنی است. نتایج تحقیق سیتیر و نلسون (۲۰۱۱) روی جوانان دانشجو و غیردانشجوی هندی نشان می‌دهد که مهم‌ترین ملاک بزرگسالی ازدواج و فرزندآوری است.

از طرف دیگر، قرارگرفتن ازدواج در پایین‌ترین مرتبه اهمیت ادراک بزرگسالی از بارزترین تفاوت‌های نتایج این پژوهش با نظریات انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. این امر کاهش اهمیت ازدواج را نزد جوانان نشان می‌دهد و رشد منفی ازدواج از سال ۱۳۹۱ تاکنون (۱۵ درصد کاهش) این یافته را تأیید می‌کند (مرکز ثبت احوال کشور، ۱۳۹۶). گرچه رشد منفی ازدواج علل گوناگونی از جمله عوامل اقتصادی مانند بیکاری و نبود امکان تهیه مسکن دارد، ولی کم‌ارزش شدن آن نیز از عوامل فرهنگی عدم اقبال جوانان به ازدواج است. علاوه بر این به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت بالای اشتغال و استقلال مالی برای مردان، بیکاری نیز از اصلی‌ترین موانع ادراک بزرگسالی و در نتیجه به تعویق افتادن ازدواج باشد.

نشانگرهای جنس اکتساب بزرگسالی

در فرهنگ‌های مختلف، ایفای نقش جنس در ادراک نشانگرهای بزرگسالی متفاوت است (آرنت، ۱۹۹۸). در این پژوهش دو مقوله استخراج شده توانایی نقش‌آفرینی در خانواده و استقلال، مشخصاً از منظر جنس بررسی شده است. همان‌طور که گفته شد بعد سوم مفهوم بزرگسالی به مسئولیت‌های فرد در مقابل خانواده مربوط می‌شود. قرارگرفتن بعد مسئولیت‌های خانوادگی در مرتبه بالای اهمیت، ریشه در باورهای فرهنگی جمع‌گرایی در جامعه ایرانی دارد. در موضوع خانواده، چنان‌که در بخش یافته‌ها اشاره شد، در حوزه مسئولیت‌های خانوادگی در روابط زوجین تفکیک جنس به‌خوبی مشاهده می‌شود. مسئولیت عمده مرد مسئولیت اقتصادی، مدیریت چالش‌های پیش‌روی خانواده، استواری در حل مشکلات و حمایت

خود فرد به منظور رسیدن به هدف است (سانتراک^۱، ۲۰۰۴ نقل از سیف، ۱۳۹۱). همسو با نتایج این بررسی، یافته‌های پژوهش وستبرگ (۲۰۰۴) روی جوانان سوئدی نشان می‌دهد که هدف‌مندی و خودباوری دو ملاک اصلی بزرگسالی است (بالای ۴۰ درصد موافق).

بعد چهارم به پایبندی به ارزش‌های شخصی، دینی و اجتماعی می‌پردازد. یافته‌ها با نظر آرنت در خصوص کاهش خودمحوری^۲ و توجه بیشتر به دغدغه‌های دیگران و همچنین اهمیت یافتن مسئولیت‌پذیری در ورود به بزرگسالی هماهنگ است. یافته‌های پژوهش آرنت (۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳) و نلسون و بری (۲۰۰۵) نشان می‌دهد در نظرگرفتن خواسته‌های دیگران، که زیرمجموعه مؤلفه تعامل بین‌فردی^۳ در پرسشنامه آرنت است، جزو ملاک‌های مهم اکتساب بزرگسالی دانسته شده است. آنچه این بعد را در میان شرکت‌کنندگان ایرانی از شرکت‌کنندگان سایر کشورها متمایز می‌کند وجود مؤلفه دینداری و پایبندی به باورهای مذهبی است. بروز مؤلفه جدید متعهدشدن به دستورات دین به عنوان یکی از شروط بزرگسالی در میان دانشجویان شهر تهران، نقش باورهای فرهنگی را در مسیر تحول انسان نشان می‌دهد و تبیین آرنت (۱۹۹۵) را در تغییر تعریف بزرگسالی بر اساس چگونگی فرایند جامعه‌پذیری در هر فرهنگ تأیید می‌کند.

بعد ششم یعنی انتقال نقش که پایین‌ترین اهمیت را در بین پاسخ‌ها کسب کرده، به مؤلفه‌هایی مربوط می‌شود که تحت تأثیر زمان‌بندی اجتماعی^۴ است. منظور از زمان‌بندی اجتماعی انتظارات درجه‌بندی شده سنی برای رویدادهای خاص زندگی مانند اولین شغل، ازدواج، تولد اولین فرزند و خریدن خانه است، که بر تحول بزرگسالی تأثیر می‌گذارد (نوگارتن^۵، ۱۹۷۹ نقل از برک، ۲۰۰۷/۱۳۹۴). این که این ملاک‌ها در پایین‌ترین جایگاه اکتساب بزرگسالی قرار گرفته، با یافته‌های پژوهش‌ها در امریکا (آرنت، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳)، اغلب کشورهای اروپایی برای مثال آرنت و پادیلوالکر (۲۰۱۵) در دانمارک، پتروچیانس (۲۰۱۱) در یونان، فاسیو و مایکاکاسای (۲۰۰۳) در

1. Santrock, J. W.
2. self-oriented

3. interdependence
4. social clock

5. Neugarten, B. L.

فرهنگ جمع‌گرایی و خانواده‌محوری در جامعه ایرانی است، که به موجب آن دغدغه رسیدن به استقلال هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ مالی از کشورهای غربی کمتر است.

در موضوع استقلال در بخش استقلال مالی تفاوت جنس مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد انتظار اجتماعی جامعه ایرانی از مرد بزرگسال اشتغال و استقلال مالی از خانواده است. در حالی که این انتظار از دختران کمتر است. این تفاوت دیدگاه به نقش زن و مرد در حوزه استقلال مالی، احتمالاً با بازخورد به مسئولیت مرد در اقتصاد خانواده مرتبط است و ریشه تاریخی-مذهبی دارد (بی‌آزارشیرازی، ۱۳۷۱).

علاوه بر دو مقوله خانواده و استقلال مالی، بازخورد جنس در بخش‌های دیگری از داده‌ها مشاهده می‌شود. در دختران تاب‌آوری و زودرنج نبودن، کنترل احساس و عمل سنجیده به معنای باوقاری و در پسران سنجیدگی فکر و عمل، به عنوان نشانه بزرگسالی بیشتر مورد تأکید است. این تأکیدات را می‌توان در بستر نگاه به نقش جنس زن و مرد در خانواده و اجتماع ایرانی درک کرد. سنجیدگی فکر و عمل پیش‌نیازی برای حمایت‌های روانی-فکری مردان است و کنترل هیجان نقش زنان را در حمایت روانی-عاطفی از خانواده تسهیل می‌کند.

به دلیل آنکه تاکنون در کشور ایران پژوهشی با روی‌آورد روان‌شناختی به ادراک بزرگسالی انجام نشده، پیشنهاد می‌شود برای شناخت بیشتر نشانگرهای بزرگسالی ابزاری متناسب با فرهنگ ایرانی ساخته شود و با انجام پژوهش‌های متعدد روی قشرهای مختلف جامعه (با وضعیت‌های اجتماعی-اقتصادی گوناگون، گروه‌های سنی مختلف و در سایر شهرهای کشور) تعمیم‌پذیری پژوهش بالا رود.

این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده از جمله این که افراد غیردانشجو را دربرنگرفته، در صورتی که ادامه تحصیل، کسب شغل و ازدواج را به تأخیر می‌اندازد (آرنت، ۲۰۰۴)، و عامل مهمی در ادراک بزرگسالی و نشانگرهای آن است. همچنین جامعه آماری این پژوهش به شهر تهران محدود بوده و به دلیل تفاوت قومیتی و فرهنگی بین شهرهای مختلف کشور قدرت تعمیم‌پذیری یافته‌ها کاهش یافته است.

روانی-فکری و مسئولیت عمده زن، مدیریت امور داخلی خانه و حمایت روانی-عاطفی است. وجود تفاوت‌های جنس در نتایج، با موازین اسلامی همسوست که مسئولیت مالی خانواده را بر عهده مرد گذاشته و از زن انتظار دارد اهتمام بیشتری در تربیت فرزندان داشته باشد (شهیدی، ۱۳۶۴). با وجود این به نظر می‌رسد اهمیت یکسان توانایی اداره امور خانواده و قابل اتکا بودن برای هر دو جنس، حاکی از حرکت به سمت تعادل نقش جنس زن و مرد در فضای خانواده است. اهمیت بالای ملاک‌های خانوادگی با نتایج پژوهش آرنت (۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۳) در امریکا، فاسیو و میکاکاسی (۲۰۰۳) در آرژانتین، پژوهش‌های صورت‌گرفته در چین مانند ژوانگ و آرنت (۲۰۱۴) و نلسون و دیگران (۲۰۰۴) همسوست. به طور کلی دو تفاوت عمده در جایگاه بعد مسئولیت‌های خانوادگی بین جوامع مدرن و دارای فرهنگ فردگرایی و جوامع سنتی‌تر و با فرهنگ جمع‌گرایی وجود دارد: اول این که این مؤلفه در فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند آرژانتین، چین، ژاپن، هند اولویت بالاتری دارد. دوم در جوامع سنتی‌تر مانند چین، ملاک‌ها جنس است، به عبارت دیگر مرد رئیس خانواده و مسئول اصلی تأمین مالی خانواده و زن مسئول مراقبت از همسر و فرزندان و تأمین آسایش در خانواده است، اما در جوامع مدرن اهمیت نقش‌های خانوادگی در ادراک بزرگسالی در دو جنس یکسان است (آرنت، ۱۹۹۸).

بعد پنجم بزرگسالی استقلال مالی و فکری است. اهمیت و جایگاه استقلال در تعریف بزرگسالی، در میان جوانان جوامع مختلف یکسان نیست. در اغلب پژوهش‌ها در جوامع غربی استقلال مالی (برای مرد و زن) جزو سه ملاک اول اکتساب بزرگسالی است (برای مثال پژوهش‌های گرین، ویتلی و آداوا (۱۹۹۲) و شیر و پالکوویتس (۱۹۹۴) که به صورت کیفی بر روی دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان در امریکا انجام شد و پژوهش‌های آرنت (۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳)، نلسون (۲۰۰۳)، آرنت و پادیلا-والکر^۱ (۲۰۱۵) روی جوانان دانمارکی). اما این ویژگی در برخی کشورها از جمله در پژوهش پتروچیانیس (۲۰۱۱) روی دانشجویان تحصیلات تکمیلی یونانی به عنوان سه ملاک اصلی ذکر نشده است. در ایران مؤلفه استقلال در مرتبه پنجم اهمیت قرار دارد. به نظر می‌رسد دلیل این تفاوت

- transition to adulthood. *Youth & Society*, 29(1), 1-23.
- Arnett, J. J. (1998). Learning to stand alone: The contemporary American transition to adulthood in cultural and historical context. *Human Development*, 41(5-6), 295-315
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55(5), 469-480.
- Arnett, J. J. (2001). Conceptions of the transition to adulthood: Perspectives from adolescence to midlife. *Journal of Adult Development*, 8(2), 133-143.
- Arnett, J. J. (2003). Conceptions of the transition to adulthood among emerging adults in American ethnic groups. *New Directions in Child and Adolescent Development*, 100, 63-75.
- Arnett, J. J. (2004). *Emerging adulthood: The winding road from the late teens through the twenties*. New York: Oxford University Press .
- Arnett, J. J. (2007). Suffering, selfish, slackers? Myths and reality about emerging adults. *Journal of Youth and Adolescence*, 36(1), 23-29.
- Badger, S., Nelson, L. J., & Barry, C. M. (2006). Perceptions of the transition to adulthood among Chinese and American emerging adults. *International Journal of Behavioral Development*, 30(1), 84-93.
- Erikson, E. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton .
- Facio, A., & Micocci, F. (2003). Emerging Adulthood in Argentina. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 100, 21-32.
- Greene, A. L., Wheatley, S. M., & Aldava, J. F. (1992). Stages on life's way: Adolescents' implicit theories of the life course. *Journal of Adolescent Research*, 7(3), 364-371.
- Grob, A., Krings, F., & Bangertner, A. (2001). Life markers in biographical narratives of people from three cohorts: A life span perspective in its historical context. *Human Development*, 44(4), 171-190.
- Hendry, L. B., & Kloep, M. (2010). How universal is
- اسعدی، س، امیری، ش. و مولوی، ح. (۱۳۹۵). تحول شناختی از دوره نوجوانی تا بزرگسالی: عملیات انتزاعی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: *روان‌شناسان ایرانی*، ۵۰ (۱۳)، ۱۳۱-۱۲۱.
- بازرگان، ع. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته؛ *روی‌آورد‌های متداول در علوم رفتاری*. تهران: نشر دیدار.
- برک، ل. (۲۰۰۷). *روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*. ترجمه ی. سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۳۹۴).
- بی‌آزارشیرازی، ع. (۱۳۷۱). رساله نوین (۳): مسائل خانواده. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تقوی، ن.، آزادفلاح، پ.، موتابی، ف. و طلایی، آ. (۱۳۹۴). تحلیل کیفی بهزیستی فاعلی از دیدگاه دختران نوجوان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱ (۴۳)، ۲۴۶-۲۲۹.
- دلخمش، م.، احمدی مبارکه، مهرناز. (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۲۹)، ۲۸-۵.
- سیف، ع. آ. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. تهران: نشر دوران.
- شهیدی، س. ج. (۱۳۶۴). *زندگانی فاطمه (ع)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عابدی، ح. ع. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق پدیدارشناسی در علوم بالینی. فصلنامه راهبرد، ۵۴، ۲۲۷-۲۲۴.
- گال، م.، بورگ، و. و گال، ج. (۱۹۹۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه آ. ر. نصر و دیگران. تهران: سمت (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۳۹۳).
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). سرشماری. بازیابی شده از: www.amar.org
- مرکز ثبت احوال ایران (۱۳۹۶). بازیابی شده از: www.sabteahval.ir
- Arnett, J. J., & Padilla-Walker, L. M. (2015). Brief report: Danish emerging adults' conceptions of adulthood. *Journal of Adolescence*, 38, 39-44.
- Arnett, J. J. (1994). Are college students adults? Their conceptions of the transition to adulthood. *Journal of Adult Development*, 1(4), 154-168.
- Arnett, J. J. (1995). Broad and narrow socialization: The family in the context of a cultural theory. *Journal of Marriage and the Family*, 57, 617-628.
- Arnett, J. J. (1997). Young people's conceptions of the

- Sameroff, A. (2010). A unified Theory of Developmental: A dialectic Integration of nature and nurture. *Child Development, 81*(1), 6-22.
- Scarr, S. (1992). Developmental theories for the 1990s: Development and individual differences. *Child Development, 63*(1), 1-19.
- Scheer, S. D., & Palkovitz, R. (1994). Adolescent-to-Adult Transitions: Social Status and Cognitive Factors. *Sociological Studies of Children, 6*(1), 125-140.
- Schlegel, A., & Barry, H. (1991). Adolescence: An Anthropological Inquiry. Free Press, New York.
- Schwartz, S. J., Côté, J. E., & Arnett, J. J. (2005). Identity and Agency in Emerging Adulthood: Two Developmental Routes in the Individualization Process. *Youth & Society, 37*(2), 201-229.
- Seiter, L. N., & Nelson, L. J. (2011). An examination of emerging adulthood in college students and nonstudents in India. *Journal of Adolescent Research, 26*(4), 506-536.
- Tanner, J. L., & Arnett, J. J. (2009). The emergence of emerging adulthood: The new life stage between adolescence and young adulthood. In A. Furlong (Ed.), *Handbook of youth and young adulthood* (pp. 39-48). New York: Routledge.
- Westberg, A. (2004). Forever young? Young people's conception of adulthood: The Swedish case. *Journal of Youth Studies, 7*(1), 35-53.
- Zhong, J., & Arnett, J. J. (2014). Conceptions of adulthood among migrant women workers in China. *International Journal of Behavioral Development, 8*(3), 255-265.
- emerging adulthood? An empirical example. *Journal of Youth Studies, 13*(2), 169-179.
- Hogan, D. P., & Astone, N. M. (1986). The transition to adulthood. *Annual Review of Sociology, 12*(1), 109-130.
- Nelson, L. J. (2003). Rites of passage in emerging adulthood: Perspectives of young Mormons. *New Directions for Child and Adolescent Development, 100*, 33-50.
- Nelson, L. J., & Chen, X. (2007). Emerging Adulthood in China: The role of social and cultural Factors. *Child Development Perspectives, 1*(2), 86-91.
- Nelson, L. J., Badger, S., & Wu, B. (2004). The influence of culture in emerging adulthood: Perspectives of Chinese college students. *International Journal of Behavioral Development, 28*(1), 26-36.
- Nelson, L. J., & Barry, C. M. (2005). Distinguishing features of emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research, 20*(2), 242-262.
- Obidoo, C. A., Dodor, B. A., Tackie-Ofosu, V., Obidoo, M. A., Kalisch, H. R., & Nelson, L. J. (2018). Perspectives on Markers of Adulthood Among Emerging Adults in Ghana and Nigeria. *Emerging Adulthood, 21*67696818778906.
- Petrogiannis, K. (2011). Conceptions of the transition to adulthood in a sample of Greek higher education students. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy, 11*(1), 121-137.
- Reifman, A., Colwell, M. J., & Arnett, J. J. (2007). Emerging Adulthood: Theory, Assessment and Application. *Journal of Youth Development, 2*(1), 40-50.